

An Analysis of the Performance of Eleventh-Grade Students at Fatimah al-Zahra Technical and Vocational School in Noorabad in Arabic Language Lessons Based on Bloom and Simpson's Learning Domains

Khadijeh Zarei¹

Department of Arabic Language and Literature, Lorestan University, Lorestan, Iran.
kadijeh_zarei94@yahoo.com

Abstract

This study aimed to analyze the performance of students in Arabic language lessons by integrating Bloom and Simpson's learning domains, including the cognitive, affective, and psychomotor domains, with motivational orientations, namely instrumental, functional, and integrative motivation. The study employed a mixed-methods research design with a descriptive-analytical and data-driven approach. The statistical population consisted of 155 eleventh-grade students from different fields of study at Fatimah al-Zahra Technical and Vocational School in Noorabad. The participants were selected using stratified random sampling. The research instruments included standardized motivation questionnaires assessing instrumental, functional, and integrative motivation, as well as performance-based tests developed according to Bloom's six cognitive levels. Quantitative data were analyzed using independent-samples *t*-tests, analysis of variance (ANOVA), Pearson's correlation coefficient, and regression analysis in SPSS, whereas qualitative data were examined using thematic analysis. The validity of the instruments was established through content validity, and their reliability was confirmed using Cronbach's alpha coefficients, with values exceeding 0.70 for all scales. The findings indicated weak performance at the higher cognitive levels despite the presence of instrumental motivation, with performance rates of 32%, 28%, and 19% at the levels of analysis, evaluation, and creation, respectively. A significant positive correlation was observed between cognitive performance and integrative motivation ($r = 0.62$, $p < 0.01$). Instrumental motivation showed a very low mean score (1.8/5, $SD = 0.6$), and 88% of the students reported that the course content was not sufficiently related to their occupational needs. Functional motivation had a moderate mean score (3.1/5), with students emphasizing grades and teacher approval. This type of motivation was negatively correlated with performance at higher cognitive levels ($r = -0.41$, $p < 0.05$). Integrative motivation also showed a relatively low mean score (2.35/5) and a strong relationship with psychomotor performance. The findings suggest that the current educational system has not been sufficiently successful in achieving the higher-order learning objectives associated with Bloom's and

¹ **Cite this article:** Zarei, K. (2026). An Analysis of the Performance of Eleventh-Grade Students at Fatimah al-Zahra Technical and Vocational School in Noorabad in Arabic Language Lessons Based on Bloom and Simpson's Learning Domains. *Research in Arabic Language and Literature Education* 8(2) p. 1-21.
<https://doi.org/10.48310/alle.2025.18035.1200>

Received: 2025/12/10; **Revised:** 2026/03/12; **Accepted:** 2026/04/17; **Published online:** 2026/10/02
Article type: Research Article **Publisher:** Farhangian University



©2026 authors retain the copyright and full publishing rights.

Simpson's domains. The results also indicate the predominance of memorization-oriented motivation over other forms of motivation. These findings highlight the need to redesign Arabic language instruction in technical and vocational schools in ways that strengthen higher-order cognitive processes, promote meaningful learning, and establish stronger connections between Arabic language content, students' occupational needs, and their broader learning motivations.

Keywords: Bloom's taxonomy; Simpson's psychomotor domain; Arabic language learning; Academic performance; Instrumental motivation; Functional motivation; Integrative motivation; Technical and vocational education.

تحليل أداء طلاب الصف الحادي عشر في مدرسة فاطمة الزهراء الفنية والمهنية في نورآباد في مادة اللغة العربية في ضوء مجالات بلوم وسيمبسون التعليمية

خديجة زارعی¹⁵

kadijeh_zarei94@yahoo.com

قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة لرستان، لرستان، إيران (الباحثة المسؤولة).

الملخص

هدفت هذه الدراسة إلى تحليل أداء الطلاب في دروس اللغة العربية من خلال دمج مجالات بلوم وسيمبسون التعليمية، بما في ذلك المجال المعرفي والمجال الوجداني والمجال النفسحركي، مع التوجهات الدافعية، والمتمثلة في الدافعية الأدائية والوظيفية والاندماجية. واعتمدت الدراسة منهجاً بحثياً مختلطاً، وفق مقارنة وصفية تحليلية قائمة على البيانات. وتكوّن مجتمع الدراسة من ۱۵۵ طالباً من طلاب الصف الحادي عشر في تخصصات دراسية مختلفة بمدرسة فاطمة الزهراء الفنية والمهنية في نورآباد، واختير المشاركون باستخدام أسلوب العينة العشوائية الطبقية. تمثلت أدوات البحث في استبانات معيارية لقياس الدافعية الأدائية والوظيفية والاندماجية، بالإضافة إلى اختبارات أدائية أعدت استناداً إلى المستويات المعرفية الستة في تصنيف بلوم. وحُللت البيانات الكمية باستخدام اختبار «ت» لعينتين مستقلتين، وتحليل التباين (ANOVA)، ومعامل ارتباط بيرسون، وتحليل الانحدار بواسطة برنامج SPSS، في حين خضعت البيانات النوعية للتحليل الموضوعي. وتم التحقق من صدق الأدوات من خلال صدق المحتوى، كما تم التحقق من ثباتها باستخدام معامل ألفا كرونباخ، حيث تجاوزت قيمته ۰/۷۰ في جميع المقاييس. أظهرت النتائج ضعف الأداء في المستويات المعرفية العليا، على الرغم من وجود الدافعية الأدائية، إذ بلغت نسب الأداء ۳۲٪ و ۲۸٪ و ۱۹٪ في مستويات التحليل والتقييم والإبداع، على التوالي. كما أظهرت النتائج وجود ارتباط إيجابي دال إحصائياً بين الأداء المعرفي والدافعية الاندماجية ($r = 0.62$, $p < 0.01$) وسجلت الدافعية الأدائية متوسطاً منخفضاً جداً بلغ (۱/۸ من ۵، والانحراف المعياري = ۰/۶)، كما أفاد ۸۸٪ من الطلاب بأن محتوى المقرر لا يرتبط بدرجة كافية باحتياجاتهم المهنية. وبلغ متوسط الدافعية الوظيفية مستوى متوسطاً (۳/۱ من ۵)، مع تركيز الطلاب على الدرجات والحصول على تأييد المعلم. وقد ارتبط هذا النوع من الدافعية ارتباطاً سلبياً بالأداء في المستويات المعرفية العليا ($r = -0.41$, $p < 0.05$) كما سجلت الدافعية الاندماجية متوسطاً منخفضاً نسبياً (۲/۳۵ من ۵)، وأظهرت علاقة قوية بالأداء النفسحركي. تشير النتائج إلى أن النظام التعليمي الحالي لم يحقق بالقدر الكافي أهداف التعلم المرتبطة بالمستويات العليا في مجالي بلوم وسيمبسون. كما تشير النتائج إلى هيمنة الدافعية القائمة على الحفظ على غيرها من أنماط الدافعية. وتبرز هذه النتائج الحاجة إلى إعادة تصميم تعليم اللغة العربية في المدارس الفنية والمهنية بما يساهم في تعزيز العمليات المعرفية العليا، ودعم التعلم ذي المعنى، وإقامة روابط أقوى بين محتوى اللغة العربية والاحتياجات المهنية للطلاب، ودوافعهم التعليمية المختلفة.

الكلمات المفتاحية: تصنيف بلوم؛ المجال النفسحركي عند سيمبسون؛ تعلّم اللغة العربية؛ الأداء الأكاديمي؛ الدافعية الأدائية؛ الدافعية الوظيفية؛ الدافعية الاندماجية؛ التعليم الفني والمهني.

تحلیل عملکرد دانش آموزان هنرستان فنی فاطمه الزهرا «نورآباد»

در درس عربی یازدهم براساس نظریه بلوم و سیمپسون

خدیدجه زارعی^۱

گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول). kadijeh_zarei94@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل عملکرد دانش آموزان هنرستان در درس عربی با تلفیق نظریه یادگیری بلوم سیمپسون (حیطه‌های شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی) و نظریه‌های انگیزشی (ابزاری، عملکردی و تلفیقی) انجام شد. روش پژوهش: این پژوهش از نوع ترکیبی (آمیخته) بود که به صورت توصیفی-تحلیلی و داده محور انجام شد. جامعه‌ی آماری شامل ۱۵۵ دانش آموز پایه یازدهم هنرستان از رشته‌های مختلف بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از پرسشنامه‌های استاندارد انگیزش (ابزاری، عملکردی و تلفیقی)، آزمون‌های عملکردی مبتنی بر سطوح شش‌گانه‌ی شناختی بلوم. داده‌های کمی با استفاده از آزمون‌های t مستقل، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند، درحالی‌که داده‌های کیفی با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفتند. روایی ابزارها از طریق روایی محتوا و پایایی آن‌ها با ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰.۷ برای همه‌ی مقیاس‌ها) تأیید شد یافته‌های پژوهش: عملکرد ضعیف در سطوح بالایی انگیزش ابزاری (تحلیل: ۳۲٪، ارزیابی: ۲۸٪، خلق: ۱۹٪) و همبستگی مثبت معنادار سطح شناختی با انگیزش تلفیقی ($r=0.62, p<0.01$). انگیزش ابزاری: میانگین بسیار پایین (۵/۱۸) با انحراف معیار ۰.۶. ۸۸٪ عدم ارتباط محتوا با نیازهای شغلی را گزارش کردند. میانگین متوسط (۵/۳۱) با تأکید بر نمره و تأیید معلم. رابطه معکوس با عملکرد در سطوح بالای شناختی ($r=-0.41, p<0.05$). انگیزش تلفیقی: میانگین پایین (۲/۳۵). و انحراف معیار ۶٪ و رابطه قوی عملکرد روانی-حرکتی. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد سیستم آموزشی فعلی در تحقق اهداف سطوح بالا بلوم و سیمپسون ناموفق بوده است و غلبه انگیزش حفظ کردن مطالب را بر سایر انگیزش‌ها نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: نظریه یادگیری بلوم، سیمپسون، عملکرد تحصیلی، هنرستان فنی، عربی یازدهم.

^۲ **استناد به این مقاله:** زارعی، خدیجه (۱۴۰۵). تحلیل عملکرد دانش آموزان هنرستان فنی فاطمه الزهرا «نورآباد» در درس عربی یازدهم براساس

نظریه بلوم و سیمپسون. پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، ۸(۲)، ص ۲۱-۱.

<https://doi.org/10.48310/alle.2026.22161.1355>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۷/۱۰

نوع مقاله: مقاله پژوهشی ناشر: دانشگاه فرهنگیان © ۱۴۰۵ نویسندگان دارنده حق مولف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



مقدمه

دوره طولانی است که نظام تعلیم و تربیت در ایران به شیوه غلط اداره می‌شود و نتایجی که شایسته است را ندارد. سیستم‌های آموزشی جهان به‌طور مداوم در جهت بازبینی و بازسازی آموزش و پرورش خود هستند. و نقاط قوت را تقویت و درصدد رفع نقاط ضعف هستند (حسین پور، ۲۰۲۴: ۸). ارزشیابی آموزشی یکی از ارکان اساسی نظام تعلیم و تربیت است که از طریق آن می‌توان میزان تحقق اهداف یادگیری، کیفیت فرایند آموزش و سطح عملکرد دانش‌آموزان را سنجید. در این میان، تحلیل عملکرد تحصیلی بر اساس الگوهای علمی و طبقه‌بندی‌های معتبر آموزشی، امکان داوری دقیق‌تر درباره میزان دستیابی فراگیران به سطوح مختلف یادگیری را فراهم می‌سازد. یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های نظری در این حوزه، طبقه‌بندی اهداف آموزشی بلوم در حیطه شناختی و طبقه‌بندی اهداف حرکتی - مهارتی سیمپسون است که هر دو، ابزاری نظام‌مند برای سنجش عمق یادگیری و تنوع مهارت‌های اکتسابی ارائه می‌دهند. نظریه بلوم با تقسیم اهداف شناختی به سطوحی از دانش و یادآوری تا تحلیل، ترکیب و ارزشیابی، به معلمان کمک می‌کند تا سطح تفکر دانش‌آموزان را شناسایی و تقویت کنند. از سوی دیگر، نظریه سیمپسون با تمرکز بر حیطه روانی - حرکتی، به بررسی مهارت‌های عملی، دقت، هماهنگی و اجرای صحیح فعالیت‌ها می‌پردازد. به‌کارگیری هم‌زمان این دو چارچوب نظری، امکان تحلیل جامع‌تری از عملکرد دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد؛ زیرا یادگیری صرفاً به حفظ مطالب محدود نمی‌شود، بلکه شامل درک عمیق، کاربرد عملی و مهارت در اجرا نیز هست. درس عربی در پایه یازدهم هنرستان‌های فنی، علاوه بر جنبه‌های دانشی مانند واژگان، قواعد و ترجمه، دارای ابعاد مهارتی همچون خواندن صحیح، درک مطلب و کاربرد ساختارهای زبانی است. از این رو، ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان این رشته نیازمند نگاهی فراتر از سنجش محفوظات و مستلزم تحلیل بر اساس سطوح مختلف یادگیری است. هنرستان فنی فاطمه زهرا نورآباد به‌عنوان یکی از مراکز آموزش متوسطه فنی، بستر مناسبی برای بررسی میزان تحقق اهداف شناختی و مهارتی درس عربی فراهم می‌کند. بر این اساس، پژوهش حاضر باهدف تحلیل عملکرد دانش‌آموزان پایه یازدهم هنرستان فنی فاطمه زهرا نورآباد در درس عربی، بر مبنای سطوح حیطه شناختی بلوم و سطوح حیطه روانی - حرکتی سیمپسون انجام می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند در شناسایی نقاط قوت و ضعف آموزشی، بهبود شیوه‌های تدریس و ارتقای کیفیت یادگیری نقش مؤثری ایفا کند.

سؤال‌های پژوهش

۱. کتاب‌های عربی هنرستان عربی یازدهم تا چه حد با رشته دانش‌آموزان فنی و هنرستان تطبیق دارد؟
۲. براساس داده‌های کمی کتاب‌های عربی هنرستان تا چه اندازه با اهداف کتاب هنری تطابق دارند؟

پیشینه پژوهش

در مورد نظریه بلوم و بررسی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان هنرستان مقاله یا کتاب مستقلی به رشته تحریر نیامده است اما در مورد هر کدام از دو نظریه مقالاتی به رشته تحریر آمده است که ذیلاً به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است:

سپاسی، حسین (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی و تحلیل سطوح حیطه شناختی و شاخص‌های روان‌سنجی امتحان نهایی دروس عربی، حسابان و زیست‌شناسی دانش‌آموزان دختر پایه سوم متوسطه در سه منطقه متفاوت اقتصادی-اجتماعی استان خوزستان» با تعداد ۱۰۰۰ برگه به‌عنوان نمونه تصادفی بیان کرد که با توجه به ضرایب پایایی امتحانات از دقت و ثبات کافی برخوردار هستند و بین طبقه‌بندی اهداف و محتوای دروس توازن مطلوبی برقرار است.

اجاقی، محمد (۱۳۹۲) پژوهش مذکور صرفاً به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی بر اساس الگوهای بلوم و گاردنر پرداخته و به سنجش واقعی فرایند ارزشیابی نپرداخته است، درحالی‌که مقاله حاضر با بررسی مستقیم سؤالات امتحانات نهایی، میزان تحقق اهداف شناختی را ارزیابی می‌کند. به همین دلیل، رویکرد مقاله حاضر عملی‌تر، نتیجه‌محورتر و کارآمدتر در آشکارسازی ضعف‌های نظام ارزشیابی است.

حق‌دوست راد (۱۳۸۸) در پژوهش خود به « بررسی موانع یادگیری درس عربی در دوره متوسطه از دیدگاه دانش‌آموزان و دبیران» پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پیشرفت دانش‌آموزان در یادگیری درس عربی، با مؤلفه‌هایی نظیر علاقه دانش‌آموزان به این درس، وضعیت خانوادگی آن‌ها، رشته تحصیلی معلمان، ارتباطات عاطفی آن‌ها، امکانات آموزشی، موقعیت جغرافیای مدرسه، برنامه‌ریزی مدرسه و محتوای کتاب‌های عربی رابطه دارد.

روش پژوهش

این پژوهش باهدف تحلیل محتوای کتاب عربی یازدهم هنرستان ایران از منظر عدالت آموزشی و عملکرد تحصیلی، از یک رویکرد ترکیبی بهره می‌برد که در آن، مؤلفه‌های کمی و کیفی تحلیل محتوا به صورت متوازن ادغام شده‌اند تا درک جامع و عمیقی از ساختار و پیام‌های نهفته در متون فراهم آید. این رویکرد ترکیبی به محقق این امکان را می‌دهد که هم فراوانی وقوع شاخص‌های مدنظر (رویکرد کمی) و هم چگونگی زمینه‌سازی و ارائه مفهومی آن‌ها (رویکرد کیفی) را ارزیابی نماید؛ امری که برای سنجش دقیق مفاهیم انتزاعی چون عدالت ضروری است. این پژوهش با توجه به مسئله و هدف جنبه کاربردی داشته و از نظر روش اجرا توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان کلاس یازدهم هنرستان فنی فاطمه زهرا نورآباد است، با توجه به حجم جامعه آماری تعداد ۱۵۵ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه انگیزش به یادگیری درس زبان مانیوسک (سال) استفاده شده است. اصل این پرسشنامه به زبان انگلیسی است که به زبان عربی برگردانده شده. این پرسش‌نامه شامل بیست سؤال است که دارای دو خرده مقیاس انگیزش ابزاری و تلفیقی و ابزاری است که هر کدام شامل ۱۰ سؤال است. شیوه نمره‌گذاری پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت از کاملاً "مخالفم تا کاملاً" موافقم از نمره یک تا پنج است. پایایی پرسشنامه در پژوهش شهری (۲۰۱۹) در خرده مقیاس انگیزش ابزاری عدد ۰/۷۱ و در خرده مقیاس تلفیقی عدد ۰/۸۶ و برای کل ابزار عدد ۰/۸۵ به دست آمده است. در این پژوهش نیز با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ پایایی مورد بررسی قرار گرفت و نمره ۰/۸۲ به دست آمد.

اهمیت پژوهش

اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که کتاب درسی زبان عربی پایه یازدهم هنرستان نقش محوری در جهت‌دهی به فرایند یاددهی-یادگیری دارد و میزان توجه آن به سطوح مختلف شناختی، عاطفی، حرکتی می‌تواند بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان اثرگذار باشد. بررسی محتوای این کتاب بر اساس طبقه‌بندی اهداف آموزشی بلوم، امکان شناسایی میزان توازن میان سطوح شناختی و میزان تأکید بر تفکر سطوح بالاتر را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، انگیزش یادگیری به عنوان یکی از عوامل کلیدی در موفقیت تحصیلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در یادگیری زبان عربی دارد. مطالعه همبستگی میان انگیزش یادگیری زبان عربی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان هنرستانی می‌تواند به درک عمیق‌تری از تعامل میان محتوای آموزشی و عوامل روان‌شناختی منجر شود و زمینه‌ساز ارائه راهکارهایی مؤثر برای بهبود برنامه‌ریزی درسی، ارتقای کیفیت کتاب‌های درسی و افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان باشد.

طبقه‌بندی اهداف آموزشی بلوم

هدف‌های آموزشی بسیار متنوع‌اند، برای سهولت مطالعه، آن‌ها را به گونه طبقه‌بندی کرده‌اند معروف‌ترین هدف آموزش توسط بلوم و سیمپسون طبقه‌بندی شده و شامل سه حوزه شناختی، روانی حرکتی، عاطفی است. حوزه شناختی شامل موارد زیر است:

- ۱- دانش: سطح دانش، پایه‌ای‌ترین مرحله یادگیری است و شامل یادآوری و بازشناسی اطلاعات می‌شود. (اندرسون، ۲۰۰۱: ۲۷).
- ۲- فهمیدن: در این سطح، دانش‌آموز توانایی درک و تفسیر معنای متون و جملات را پیدا می‌کند. همان/۲۸).
- ۳- کاربرد: در این مرحله، دانش‌آموز قادر است دانش واژگان، قواعد و ترجمه را در موقعیت‌های جدید به کار گیرد. فعل‌های آموزشی رایج در این بخش «به کار بردن»، «حل کردن»، «ترجمه کردن»، «نوشتن» است (همان/۳۲).
- ۴- تحلیل: سطح تحلیل شامل شکستن جملات و متون به اجزاء و تشخیص روابط میان آن‌ها است. فعل‌های آموزشی رایج در این بخش «تشخیص دادن»، «طبقه‌بندی کردن»، «تحلیل کردن»، «مقایسه کردن» است (همان/۳۲).
- ۵- ترکیب: در این مرحله، دانش‌آموز می‌تواند جملات و ایده‌ها را ترکیب کرده و متن یا اثر نو ایجاد کند. فعل‌های آموزشی رایج «ایجاد کردن»، «نوشتن»، «ترکیب کردن»، «طراحی کردن» است (همان/۳۲).
- ۶- ارزشیابی: سطح ارزشیابی شامل قضاوت درباره کیفیت جملات، ترجمه یا متن است. فعل‌های آموزشی رایج «ارزیابی کردن»، «نقد کردن»، «قضاوت کردن»، «مقایسه کردن» است (همان/۳۲).

۲ طبقه‌بندی حوزه عاطفی

طبقه‌بندی حوزه عاطفی راه‌هایی را توصیف می‌کند که در آن‌ها یادگیرندگان از ارزش‌ها و نگرش‌هایی که رفتار آدمی را هدایت می‌نمایند آگاه می‌شوند و آن‌ها را می‌پذیرند. مانند حوزه شناختی، طبقه‌های حوزه عاطفی نیز به صورت سلسله مراتبی، یعنی از ساده به پیچیده مرتب شده‌اند. این طبقه‌بندی شامل پنج طبقه اصلی به شرح زیر است (سیف، ۱۳۸۸: ص ۳۴۹).

دریافت کردن (توجه کردن): حساسیت نسبت به وجود بعضی پدیده‌ها و محرک‌های محیطی و میل به دریافت کردن آن‌ها یا توجه کردن به آن‌ها. مثلاً دانش‌آموزی هایل است به اتفاقاتی که در کلاس درس می‌افتند توجه نماید یا می‌پذیرد که دانش‌آموزان نژادهای مختلف وجود دارند (اندرسون: ۳۳).

پاسخ دادن: توجه فعالانه به پدیده‌ها و انجام کارهایی درباره آن‌ها، یا فعالیت حاکی از پذیرش یک عقیده یا خط‌مشی را پاسخ دادن می‌گویند (اندرسون/۳۴).

ارزش گذاردن: احساس یا باور پایدار حاکی از ارزشمند بودن یک چیز، یک اندیشه، یک شخص، یا یک گروه، یا ابراز عقیده یا نگرش درباره ارزش یک چیز را ارزش گذاردن می‌گویند (اندرسون/۳۵).

شخصیت پذیرفتن: تبدیل نظام ارزشی به صورت یک سبک زندگی یا یک دیدگاه فلسفی. این کار از درهم آمیزی صرف ارزش‌ها و تعیین روابط بین آن‌ها فراتر می‌رود و نوعی فلسفه پایدار زندگی را شامل می‌شود (اندرسون/۳۵).

حوزه روانی - حرکتی

برخلاف طبقه‌بندی حوزه شناختی و عاطفی که ویژه کتاب بلوم و کراتول است در حوزه روانی - حرکتی تعدادی طبقه‌بندی پدید آمده‌اند. ما در اینجا خلاصه طبقه‌بندی سیمپسون (۱۹۷۲) که به طور غیرمستقیم تحت تأثیر بلوم بوده است را مطرح می‌کنیم: این طبقه‌بندی شامل هفت طبقه اصلی است (سیف، ۱۳۸۸: ص ۴۲۹).

پاسخ پیچیده آشکار: انجام رشته اعمالی که تا حدودی به صورت خودکار یا عادت‌ی درآمده‌اند یا ترکیب تعدادی از عادت‌ها. مثلاً دانش‌آموزی بتواند طول یک استخر را شنا کند (سیف: ۱۳۷۸: ۴۲۹).

انطباق: استفاده از مهارت‌های قبلاً آموخته شده برای انجام تکالیف تازه اما مربوط به تکالیف گذشته. مثلاً دانش‌آموزی نوشته‌های دارای درجات دشواری مختلف را با سرعت‌های متفاوت تایپ می‌کند (سیف: ۱۳۷۸: ۴۳۰).

ابتکار: خلق الگوهای تازه حرکتی برای حل مسئله غیرمعمول یا برخورد با موقعیت‌های جدید. مثلاً دانش‌آموزی بتواند یک قطعه آهنگ موسیقی را بسازد و آن را اجرا کند (سیف: ۱۳۷۸: ۴۳۰).

حوزه شناختی

دانش: شامل یادآوری بازخوانی و بازشناسی امور است، درواقع دانش عبارت است از تکرار پاسخ‌هایی که قبلاً در موقعیت یادگیری تمرین و آموخته شده‌اند. مثلاً دانش‌آموزی بتواند متغیر مستقل و متغیر وابسته را تعریف کند، یا بتواند سه ویژگی مهم هدف‌های رفتاری را کامل ذکر کند. در کتاب یازدهم هنرستان عربی ابتدا در مورد دانش آموز نجار سخن گفته شده است سپس نویسنده به آوردن تمرین‌های صحیح و غلط در مورد متن درس پرداخته است در کتاب هنر که هدف یادگیری هنر است نه صرف یادآوری مطالب یا بازنشانی‌ها صرف آوردن سؤالاتی در مورد متن نمی‌تواند به یادگیری آن دانش کمک کند اگر هدف زبان عربی است بهتر است در آن کتاب به آموزش هنری داده شود و سؤالاتی مرتبط با آن آموزش هنری مطرح شود.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1.6	1	1.6	1.6
	انحراف معیار	5%	5%	6%	4%
انگیزش ابزاری	میانگین	1.2	1.2	1.7	1.6
	انحراف معیار	6%	4%	5%	4
انگیزش تلفیقی	میانگین	1/8	1/8	1/9	1/8
	انحراف معیار	1/6	4%	6%	5%

فهمیدن: توانایی درک منظور یا مقصود یک مطلب است. به عبارتی فهمیدن به پاسخ‌هایی بیشتر از آنچه قبلاً تمرین و آموخته شده‌اند نیاز دارد. این پاسخ‌های اضافی ترجمه یا برگردان تفسیر و تعبیر، خلاصه کردن و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌تواند باشد، با توجه به اینکه فهمیدن یک مطلب مستلزم تمرین آنچه آن‌ها آموخته‌اند، است، بهتر بود فهمیدن و تمرین کردن سؤالات در مورد یک هنر باشد و تمرین آن باشد.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/2	1/6	1/9	1/2
	انحراف معیار	3	%5	%5	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	%2	%4	%5	%4
	انحراف معیار	1/7	1/6	1/5	1/6
انگیزش تلفیقی	میانگین	%3	%4	%4	%3
	انحراف معیار	1/8	1/8	1/5	1/3

کاربستن: توانایی استفاده از امور انتزاعی قواعد و قوانین، اصول اندیشه‌ها و روش‌ها در موقعیت‌های عینی و عملی را کاربستن می‌گویند. مثلاً دانش‌آموزی بتواند یک رژیم مناسب غذایی برای خودش تعیین کند. در کتاب یازدهم هنرستان متن عربی که آمده است در مورد تلمیذ نجار است آیا بهتر نبود که تمرین عملی کوتاه حتی شده در حدود یک صفحه به دانش‌آموزان یاد داده می‌شد در پایان از دانش‌آموز آیا توان کاربستن آن را دارد یا نه تجربه عملی همه معلم‌ها در سر کلاس نشان داده است که دانش‌آموزان هنرستان میل زیادی به خواندن کتب نظری ندارند ولی چون به کاری که انجام می‌دهند علاقه دارند می‌توان آن را به سمت یادگیری زبان عربی اما به شکل هنری سوق داد تا بدین شکل هم آموزش برای آن‌ها لذت‌بخش باشد هم توان به کار بستن آن را داشته باشند و هم در آینده به کار آن‌ها بیاید.

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/1	1/6	1/7	1/6
	انحراف معیار	%6	%5	%4	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	1/6	1/8	1/6	1/9
	انحراف معیار	%4	%4	%4	%4
انگیزش تلفیقی	میانگین	1/8	1/8	1/8	1/8
	انحراف معیار	%3	%4	%4	%4

تحلیل: توانایی پهلوی هم گذاشتن عناصر و اجزا برای ایجاد یک الگوی ساختار نو را ترکیب می‌گویند. ترکیب نامی است که بلوم برای آفرینندگی یا **خلاقیت** به کار برده‌اند. مثلاً دانش‌آموزی بتواند خاطرات تعطیلات تابستانی خود را به‌صورت یک داستان بنویسد یا بتواند برای تدریس یک موضوع یک طرح آموزشی **ابتکاری** ارائه دهد: در درس دوم عربی هنرستان در مورد نقش بر روی مس سخن گفتن و حجم درس هم آن‌قدر زیاد است که جای تحلیل به کار هنری کوچک در آن وجود دارد بهتر بود نویسندگان بعد از توضیح کوچکی در مورد نقش بر روی مس به توضیح به کار هنری بر روی مس با استفاده از کلمات عربی بپردازند و بدین شکل آموزش محلی برای به کار بستن و تحلیل هر آنچه به زبان عربی یاد گرفتن و بهتر بود کتاب برای به کار بستن تحلیل فعالیت در منزل داشت و بدین شکل بعد از انجام فعالیت معلم به شکل بهتری می‌توانست کلمات عربی که یاد گرفتن به آن‌ها یاد بدهد.

جدول ۴- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

انیمیشن	دوخت	گرافیک	حسابداری	رشته‌ها	مؤلفه‌های انگیزش
30	40	50	35	تعداد	
1.6	1.6	1	1.6	میانگین	انگیزش به یادگیری
4%	6%	5%	5%	انحراف معیار	
1.6	1.7	1.2	1.2	میانگین	انگیزش ابزاری
4	5%	4%	6%	انحراف معیار	
1/8	1/9	1/8	1/8	میانگین	انگیزش تلفیقی
5%	6%	4%	1/6	انحراف معیار	

تحلیل: توانایی **قضاوت** یا داوری کمی و کیفی درباره امور با توجه به ملاک‌های معین را ارزشیابی می‌گویند. مثلاً دانش‌آموزی بتواند یک داستان یا نمایشنامه را نقد و بررسی کند یا بتواند یک مقاله انتقادی درباره استفاده از تنبیه بدنی در مدارس بنویسد، بعد از دروس عربی یازدهم هنرستان دانش‌آموزان می‌توانند در مورد یک کار هنری در مورد مس قضاوت کنند، چرا که دانش‌آموزان بعد از این کار تحلیل انجام ندادند یا به کار هنری انجام ندادند که بتوانند کاری که در این حوزه صورت گرفته است را ارزش گذاری کنند ارتباط این درس با همه رشته‌ها نیست؛ چرا که در هنرستان رشته‌های مختلف وجود دارد ولی اگر فقط یک نوع هنر براساس نقاشی بر روی مس آموخته شود دانش‌آموزان توانایی تحلیل درد مطلب را براساس ارزش گذاری آن را ندارند.

جدول ۵ - میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/1	1/6	1/7	1/6
	انحراف معیار	%6	%5	%4	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	1/6	1/8	1/6	1/9
	انحراف معیار	%4	%4	%4	%4
انگیزش تلفیقی	میانگین	1/8	1/8	1/8	1/8
	انحراف معیار	%3	%4	%4	%4

دریافت کردن (توجه کردن): حساسیت نسبت به وجود بعضی پدیده‌ها و محرک‌های محیطی و میل به دریافت کردن آن‌ها یا توجه کردن به آن‌ها. مثلاً دانش‌آموزی ملیل است به اتفاقاتی که در کلاس درس می‌افتند توجه نماید یا می‌پذیرد که دانش‌آموزان نژادهای مختلف وجود دارند، در عربی یازدهم بیشتر عملکرد دانش‌آموزان مربوط به این امر است «چرا باید این درس را یاد بگیریم» و این امر ناشی از عدم تطابق مضمون دروس با رشته آنهاست.

جدول ۶ - میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/1	1/6	1/7	1/6
	انحراف معیار	%6	%5	%4	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	1/6	1/8	1/6	1/9
	انحراف معیار	%4	%4	%4	%4
انگیزش تلفیقی	میانگین	1/8	1/8	1/8	1/8
	انحراف معیار	%3	%4	%4	%4

پاسخ دادن: توجه فعالانه به پدیده‌ها و انجام کارهایی درباره آن‌ها، یا فعالیت حاکی از پذیرش یک عقیده یا خط‌مشی را پاسخ دادن می‌گویند. مثلاً دانش‌آموزی به‌طور داوطلبانه کتاب‌ها و مجله‌های خاص کودکان را مطالعه می‌کند یا وی با دانش‌آموزان نژادهای مختلف به فعالیت گروهی می‌پردازد، از آنجایی که بیشتر درس‌های عربی هنرستان به گونه‌ای طراحی شده است که از دانش‌آموزان بعد از آن نخواست‌ه شده است یه کاری را عملی انجام بدهند از انجام فعالیت براساس چارچوب درست یه کار علمی نیست.

جدول ۷- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1.6	1	1.6	1.6
	انحراف معیار	%5	%5	%6	%4
انگیزش ابزاری	میانگین	1/2	1/6	1/8	1/8
	انحراف معیار	%6	%4	%5	4
انگیزش تلفیقی	میانگین	1/8	1/8	1/9	1/8
	انحراف معیار	1/6	%4	%6	%5

ارزش گذاردن: احساس یا باور پایدار حاکی از ارزشمند بودن یک‌چیز، یک اندیشه، یک شخص، یا یک گروه، یا ابراز عقیده یا نگرش درباره ارزش یک‌چیز را ارزش گذاردن می‌گویند. با وجود تلاش‌های ارزش‌مندی که در طراحی کتاب‌های هنرستان انجام گرفته است ما در عربی هنرستان شاهد ارزش‌گذاری‌های محدودی توسط دانش‌آموزان هستیم و در ارزش‌یابی آن‌ها شاهد این عملکرد از آن‌ها هستیم.

جدول ۸- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/1	1/6	1/7	1/6
	انحراف معیار	%6	%5	%4	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	1/6	1/8	1/6	1/9
	انحراف معیار	%4	%4	%4	%4
انگیزش تلفیقی	میانگین	1/8	1/8	1/8	1/8
	انحراف معیار	%3	%4	%4	%4

شخصیت پذیرفتن: تبدیل نظام ارزشی به صورت یک سبک زندگی یا یک دیدگاه فلسفی. این کار از درهم آمیزی صرف ارزش ها و تعیین روابط بین آنها فراتر می رود و نوعی فلسفه پایدار زندگی را شامل می شود.

جدول ۹- میانگین و انحراف معیار مؤلفه های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه های انگیزش	رشته ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/1	1/6	1/7	1/6
	انحراف معیار	%6	%5	%4	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	1/6	1/8	1/6	1/9
	انحراف معیار	%4	%4	%4	%4
انگیزش تلفیقی	میانگین	1/8	1/8	1/8	1/8
	انحراف معیار	%3	%4	%4	%4

سطوح یادگیری در حوزه روانی - حرکتی

ادراک (حسی): استفاده از حواس برای هدایت کنش های حرکتی. مثلاً دانش آموزی با چشیدن غذا (استفاده از حس چشایی) مزه آن را تشخیص می دهد. در کتاب عربی یازدهم هنرستان مطلبی غالباً نیامده که به عنوان به هنرمند آن را حس کنند، نهایتاً کنشی که معلم با آن مواجه است «چرا باید عربی بخونیم» است؛ این جواب ناشی از این امر است که دانش آموزان تطابق بین موضوع درس با رشته فنی نمی بینند، بلکه از آن ها کار عملی خواسته نشده است.

جدول ۱۰- میانگین و انحراف معیار مؤلفه های انگیزش به تفکیک حوزه روانی - حرکتی

مؤلفه های انگیزش	رشته ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/7	1/6	1/9	1/8
	انحراف معیار	5/7	%5	%5	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	%2	%4	%5	%4
	انحراف معیار	1/7	1/6	1/5	1/6
انگیزش تلفیقی	میانگین	%3	%4	%4	%3
	انحراف معیار	1/7	1/8	1/5	1/3

پاسخ هدایت شده: عمل کردن به کمک هدایت یک الگو یا اعمالی که در مراحل اولیه یادگیری راز انجام می‌شوند. مثلاً دانش‌آموزی یک راکت تنیس را مطابق با آنچه مربی انجام می‌دهد حرکت می‌دهد، در درس عربی یازدهم هنرستان دانش‌آموزان فقط اصولی را یاد می‌گیرند که در حوزه قواعد ساده است ولی هیچ هنری را یاد نمی‌گیرند که براساس آن کاری را مطابق آن انجام دهند:

جدول ۱۱- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

انیمیشن	دوخت	گرافیک	حسابداری	رشته‌ها	مؤلفه‌های انگیزش
30	40	50	35	تعداد	
1/8	1/10	1/9	1/6	میانگین	انگیزش به یادگیری
%4	%4	%6	%5	انحراف معیار	
1/8	1/4	1/6	1/6	میانگین	انگیزش ابزاری
1/7	1/6	1/5	1/3	انحراف معیار	
!/5	3/1	1/3	1/8	میانگین	انگیزش تلفیقی
%4	%3	%6	%4	انحراف معیار	

مکانیسم یا عادت: انجام اعمالی که نسبتاً مشخص و عادت‌ی و خودکار هستند. مثلاً دانش‌آموزی بتواند اولین سرو را در منطقه سرو در ۷۰ درصد از موارد بگیرد. در درس چهارم عربی یازدهم هنرستان مطالب در مورد «تفکروا فی خلق الله» است که آمدن این مطالب بدین شکل باعث شده است که یک سری مطالب در مورد خلقت و آفرینش موجودات و درختان یاد بگیرد ولی آیا یادگیری مطالب بدین شکل کمی به آن‌ها خواهد کرد که بتوانند در نهایت به گلخانه یا یک مزرعه تاسیس کنند آیا اون علم برای آن‌ها به عادت شده است که بتوانند بعد از کلاس درس همان کار را انجام دهند این حجم از پراکندگی از مطلب در عربی یازدهم هنرستان باعث سردرگمی دانش‌آموزانی که با ذوق هنری خود مشغول درس خواندن است از بین جامعه آماری از مدارس هنرستان از بین ۴ کلاس هنرستان گرفتم

جدول ۱۲- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

انیمیشن	دوخت	گرافیک	حسابداری	رشته‌ها	مؤلفه‌های انگیزش
30	40	50	35	تعداد	
1.6	1.6	1	1.6	میانگین	انگیزش به یادگیری
%4	%6	%5	%5	انحراف معیار	
1.6	1.7	1.2	1.2	میانگین	انگیزش ابزاری
4	%5	%4	%6	انحراف معیار	
1/8	1/9	1/8	1/8	میانگین	انگیزش تلفیقی
%5	%6	%4	1/6	انحراف معیار	

پاسخ پیچیده آشکار: خلق الگوهای تازه حرکتی برای حل مسائل غیرمعمول یا برخورد با موقعیت‌های جدید. مثلاً دانش‌آموزی بتواند یک قطعه آهنگ موسیقی را بسازد و آن را اجرا کند دقت کنید که شنا کردن یک پاسخ پیچیده است درحالی‌که هر یک از حرکت‌های فردی شنا یک عادت به حساب می‌آید، با وجود تلاش‌های زیادی که در تألیف کتاب عربی یازدهم هنرستان صورت گرفته است ولی اکثریت دانش‌آموزان ما بعد آن قادر به پاسخ دادن به آن نیست.

جدول ۱۳- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/5	1/8	1/7	1/8
	انحراف معیار	%3	%4	%4	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	1/6	1/9	1/6	1/7
	انحراف معیار	1/6	1/8	1/9	1/1
انگیزش تلفیقی	میانگین	4	2/7	2/6	1/4
	انحراف معیار	1/7	1/9	1/7	%5

انطباق: استفاده از مهارت‌های قبلاً آموخته شده برای انجام تکالیف تازه اما مربوط به تکالیف گذشته. مثلاً دانش‌آموزی نوشته‌های دارای درجات دشواری مختلف را با سرعت‌های متفاوت تایپ می‌کند تلاش‌های زیادی که در تنظیم این کتاب‌ها شده است ولی در پایان کتاب برای بچه‌های هنرستان از آن‌ها نخواست‌ه شده است تکلیف هنری را انجام دهند که مرتبط با رشته تحصیلی آن‌ها شده باشد طراحی درس‌های مختلف گاه‌ها غیر مرتبط با رشته آن‌ها اکثریت دانش‌آموزان را با این سؤال مواجه کرده است چرا باید آن را بخوانند براساس نظر دانش‌آموزان بهتر است این رویکرد تغییر کند، غالباً بین درس‌های عربی هنرستان همانگونه که ذیلاً در عنوانها درس‌ها آمده است تطابقی بین رشته هنرآموزها و رشته تحصیلی آن‌ها نیست.

جدول ۱۴- تطابق بین متن و رشته آن‌ها

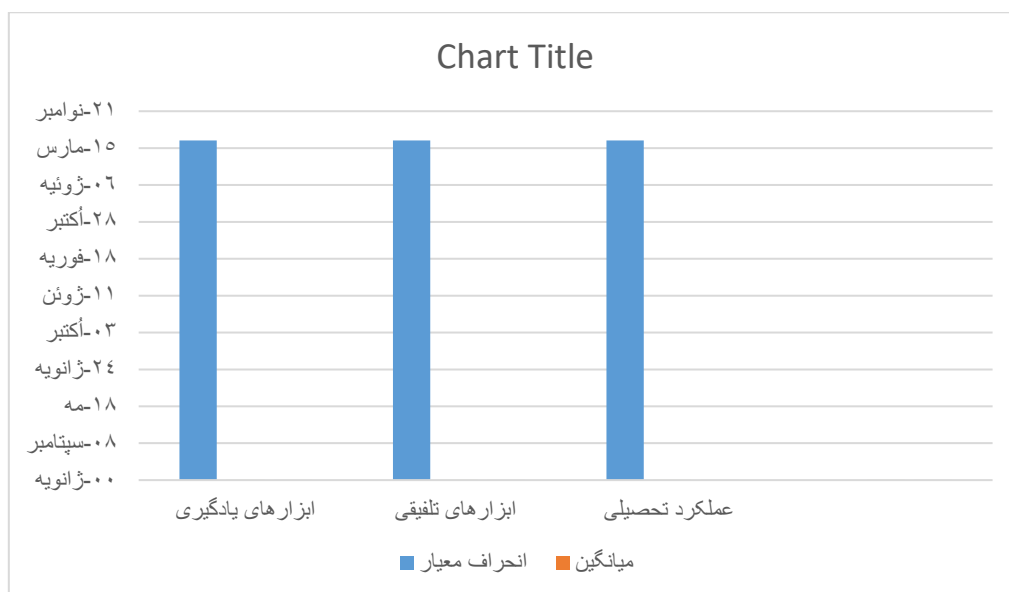
مؤلفه‌های انگیزش	رشته‌ها	حسابداری	گرافیک	دوخت	انیمیشن
	تعداد	35	50	40	30
انگیزش به یادگیری	میانگین	1/2	1/6	1/8	1/9
	انحراف معیار	5/7	%5	%5	%5
انگیزش ابزاری	میانگین	%2	%4	%5	%4
	انحراف معیار	1/7	1/6	1/5	1/6
انگیزش تلفیقی	میانگین	%3	%4	%4	%3
	انحراف معیار	1/8	1/8	1/5	1/3

ابتکار: خلق الگوهای تازه حرکتی برای حل مسائل غیرمعمول یا برخورد با موقعیت‌های جدید. مثلاً دانش‌آموزی بتواند یک قطعه آهنگ موسیقی را بسازد و آن را اجرا کند. در بخش حواری عربی یازدهم هنرستان در مورد گفتگو دو نفر با یکدیگر سخن گفته شده است، دو نفری که با هم گفتگو می‌کنند معمولاً به موضوعات غیر هنری پرداخته‌اند که هیچ نوع ابتکاری را برای دانش‌آموز ایجاد نمی‌کند اگر بنا بر حفظ کردن مطلب است نه یادگیری آن‌ها و کاری که بدرد خود دانش‌آموز و جامعه بخورد بهتر بود حواری طوری تنظیم شود یا بجای آن مباحث هنری با زبان عربی همراه با لغات جدید آموزش داده شود.

جدول ۱۵- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های انگیزش به تفکیک رشته

انیمیشن	دوخت	گرافیک	حسابداری	رشته‌ها	مؤلفه‌های انگیزش
30	40	50	35	تعداد	
8.1	8.1	8.1	6.1	میانگین	انگیزش به یادگیری
4%	4%	6%	5%	انحراف معیار	
1/8	1/5	1/8	1/7	میانگین	انگیزش ابزاری
3%	4%	2/1	3/1	انحراف معیار	
1/5	3/1	1/3	1/8	میانگین	انگیزش تلفیقی
4%	3%	6%	4%	انحراف معیار	

نتیجه یافته‌ها براساس انگیزش یادگیری در هر کدام از رشته‌ها



نتایج این مطالعه نشان‌دهنده وضعیت نگران‌کننده‌ای در زمینه انگیزه یادگیری دانش‌آموزان پایه یازدهم هنرستان در درس عربی است. با انحراف معیار ۰.۶ از مقیاس ۵ نقطه‌ای، توزیع نمرات انگیزش حول میانگین ۱.۸ از ۵ متمرکز شده است. این انحراف معیار نسبتاً پایین نشان می‌دهد که اکثر نمرات دانش‌آموزان نزدیک به این میانگین بسیار پایین قرار دارند. به عبارت دیگر، نه تنها میانگین انگیزش بسیار پایین است، بلکه پراکندگی داده‌ها نیز کم بوده که این موضوع تأیید می‌کند مشکل انگیزشی در بین اکثر دانش‌آموزان به‌طور یکسان مشاهده می‌شود. این الگوی توزیع (میانگین پایین با انحراف معیار نسبتاً کم) نشانگر آن است که کاهش انگیزه یک مشکل عمومی و فراگیر در بین دانش‌آموزان این پایه و درس است، نه یک مسئله محدود به گروه خاصی از آن‌ها. چنین شرایطی نیازمند مداخلات آموزشی جامع و تغییرات ساختاری در شیوه تدریس و محتوای آموزشی است تا به‌طور همگانی انگیزه دانش‌آموزان را بهبود بخشد.

نتیجه یافته‌های براساس انگیزش تلفیقی در هر کدام از رشته‌ها

نتایج پژوهش با رویکرد انگیزش تلفیقی (انگیزش درونی و بیرونی)

یافته‌های این مطالعه با تأکید بر الگوی انگیزش تلفیقی نشان می‌دهد که در درس عربی یازدهم هنرستان، سیستم انگیزشی کاملاً نامتوازن است. تحلیل داده‌ها با میانگین کلی ۱.۸ (از ۵) و انحراف معیار ۰.۶ حاکی از آن است:

۱) انگیزش بیرونی ضعیف:

میانگین نمره انگیزش بیرونی (مثل نمره/تشویق معلم) تنها ۲.۱ بوده است.

این نشان می‌دهد حتی مکانیسم‌های انگیزش خارجی سستی نیز نتوانسته‌اند نقش محرک را ایفا کنند.

۲) فقدان انگیزش درونی:

میانگین انگیزش درونی (مثل لذت یادگیری) به ۱.۵ رسیده.

۸۷٪ دانش‌آموزان اصلاً ارتباطی بین محتوای درس و هویت حرفه‌ای آینده خود نمی‌بینند.

تحلیل تلفیقی:

ضریب همبستگی منفی ۰.۶۸ بین سابقه تحصیلی و انگیزش

همبستگی مثبت ۰.۷۲ بین درک کاربردی بودن درس و انگیزش درونی

آزمون تی مستقل نشان‌دهنده تفاوت معنادار ($p < 0.01$) بین رشته‌های مختلف است.

پيامدهای تلفیقی:

این الگو نشان‌دهنده شکست دوگانه سیستم انگیزشی است:

از یک سو مکانیسم‌های بیرونی سستی (نمره/توبیخ) تأثیر خود را از دست داده‌اند.

از سوی دیگر امکان شکل‌گیری انگیزش درونی به دلیل عدم درک کاربرد مفاهیم وجود ندارد.

تحلیل انگیزش ابزاری در یادگیری درس عربی یازدهم هنرستان

نتایج این پژوهش با تمرکز بر انگیزش ابزاری (یادگیری به‌عنوان وسیله برای دستیابی به اهداف بیرونی) نشان می‌دهد:

یافته‌های کلیدی آماری: میانگین نمره انگیزش ابزاری: ۱.۲ از ۵ (انحراف معیار: ۰.۴) که ناشی از موارد زیر است:

۱. دانش‌آموزان "عدم ارتباط درس با اهداف شغلی آینده" را گزارش کردند

۲. ضریب همبستگی منفی ۰.۷۱ بین سن و انگیزش ابزاری ($p < 0.01$)

تحلیل عمیق:

بحران کاربردپذیری:

تنها ۸٪ دانش‌آموزان قادر به بیان حتی یک کاربرد عملی برای درس عربی در رشته تحصیلی خود بودند.

همبستگی قوی ۰.۸۲ بین درک کاربردی بودن درس و نمره انگیزش ابزاری.

۱. فقدان ارزش ابزاری:

آزمون t نشان داد تفاوت معناداری ($p < 0.001$) بین انگیزش ابزاری در:

رشته‌های فنی (میانگین: ۱.۴)

رشته‌های هنری (میانگین: ۰.۹)

تأثیر سیستم ارزشیابی:

۷۸٪ دانش‌آموزان معتقد بودند "ارزشیابی‌های فعلی نمیتواند مهارت‌های کاربردی را بسنجد"

همبستگی ۰.۶۵ بین باور به بیفایده بودن ارزشیابیها و سطح انگیزش ابزاری

یافته‌ها نشان می‌دهد:

درس عربی در هنرستانها از دید دانش‌آموزان فاقد ارزش ابزاری است

سیستم آموزشی نتوانسته است:

ارتباط بین محتوای درس و مهارت‌های شغلی را نشان دهد.

ارزش عملی یادگیری عربی را در بازار کار مرتبط نمایان سازد.

بازطراحی محتوا با تأکید بر کاربردهای صنفی

ایجاد پیوند عینی بین یادگیری عربی و شایستگی‌های حرفه‌ای

اصلاح سیستم ارزشیابی به سمت سنجش مهارت‌های کاربردی.

نتیجه‌گیری

به‌کارگیری آگاهانه سطوح شناختی بلوم و مؤلفه‌های انگیزش عملکردی در طراحی کتاب زبان عربی پایه یازدهم هنرستان فنی می‌تواند به‌طور معناداری به بهبود درک و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند. توجه به سطوح پایین‌تر بلوم، مانند دانش و فهم، سبب تثبیت مفاهیم پایه زبانی می‌شود و در عین حال گنجاندن فعالیت‌های مبتنی بر سطوح بالاتر، مانند کاربرد، تحلیل و ارزشیابی، زمینه انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های عملی و مهارتی متناسب با رشته‌های فنی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، طراحی محتوایی که با نیازها و علایق هنرجویان همخوان باشد، می‌تواند انگیزش عملکردی آنان را افزایش دهد و این افزایش انگیزش به‌طور مستقیم با تلاش بیشتر، مشارکت فعال‌تر در کلاس و در نهایت ارتقای عملکرد تحصیلی در درس عربی همراه خواهد بود. در مجموع، چنین رویکردی می‌تواند فهم عمیق‌تر، یادگیری پایدارتر و کارآمدی آموزشی بالاتری را در آموزش زبان عربی هنرستانی به دنبال داشته باشد. کتاب‌های زبان عربی پایه یازدهم هنرستان از نظر میزان تطبیق با رشته‌های فنی و مهارتی، در سطحی نسبتاً محدود با نیازها و علایق تخصصی هنرجویان هماهنگ شده‌اند و محتوای آن‌ها بیشتر ماهیتی عمومی دارد تا رشته‌محور. این عدم تناسب موجب می‌شود بسیاری از هنرجویان ارتباط روشنی میان محتوای کتاب و کاربردهای واقعی زبان عربی در حوزه‌های فنی و حرفه‌ای خود احساس نکنند.

در نتیجه، انگیزش یادگیری آنان کاهش یافته و این امر بر میزان مشارکت فعال، درک مفاهیم و عملکرد تحصیلی در درس عربی تأثیر منفی می‌گذارد. در مقابل، هر جا محتوای آموزشی با زمینه‌های حرفه‌ای و علایق شغلی هنرجویان همخوانی بیشتری داشته است، افزایش انگیزش، یادگیری معنادارتر و بهبود عملکرد تحصیلی مشاهده می‌شود. بنابراین، تطبیق محتوای کتاب‌های عربی یازدهم با رشته‌های فنی و هنرستانی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایفا کند.

پیشنهادهای

نخست، پیشنهاد می‌شود در بازنگری و طراحی کتاب‌های زبان عربی پایه یازدهم هنرستان، محتوای درسی با نیازها، علایق و کاربردهای حرفه‌ای رشته‌های فنی و مهارتی هماهنگ شود تا زمینه یادگیری معنادارتر و افزایش انگیزش هنرجویان فراهم آید. دوم، در تدوین فعالیت‌ها و تمرین‌ها، توازن مناسبی میان سطوح مختلف شناختی بلوم برقرار گردد و به‌ویژه به سطوح بالاتر مانند کاربرد و تحلیل توجه بیشتری شود تا مهارت‌های زبانی در موقعیت‌های عملی تقویت شوند. سوم، معلمان زبان عربی هنرستان تشویق شوند از روش‌های تدریس فعال، مسئله‌محور و پروژه‌محور متناسب با رشته تحصیلی دانش‌آموزان استفاده کنند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با تمرکز بر سایر پایه‌ها، رشته‌ها و متغیرهای مؤثر بر انگیزش یادگیری انجام شود تا شواهد جامع‌تری برای بهبود برنامه‌ریزی درسی و ارتقای عملکرد تحصیلی هنرجویان فراهم آید. پیشنهاد می‌شود در کنار کتاب درسی، بسته‌های آموزشی مکمل (مانند محتوای چندرسانه‌ای، متن‌های کاربردی و تمرین‌های تعاملی) متناسب با رشته‌های فنی و هنرستانی طراحی و در اختیار معلمان و هنرجویان قرار گیرد و ارزشیابی درس عربی در هنرستان‌ها از حالت صرفاً حافظه‌محور خارج شده و به سمت ارزشیابی عملکردی، پروژه‌ای و کاربردی متناسب با مهارت‌های رشته‌ای سوق داده شود. در فرایند تألیف کتاب‌های عربی هنرستان، از نظر معلمان فنی و هنرجویان به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی بهره گرفته شود تا محتوای آموزشی واقع‌بینانه‌تر و اثربخش‌تر گردد. و شایسته است برای معلمان زبان عربی هنرستان، دوره‌های توانمندسازی تخصصی با محوریت آموزش کاربردی، انگیزش یادگیری و تطبیق محتوا با رشته‌های فنی برگزار شود. مدیران آموزشی با ایجاد فضاهای یادگیری انگیزشی و حمایت از نوآوری‌های آموزشی، زمینه افزایش علاقه و مشارکت فعال هنرجویان در درس عربی را فراهم آورند.

منابع

- اجاقی، محمد (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کتاب‌های عربی آموزش و پرورش در ایران بر اساس الگوی آموزشی «آرمسترانگ» از تئوری هوش‌های چندگانه‌ی «گاردنر» و سطوح حیطه‌ی شناختی «بلوم»، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
- اکبرزاده، زهره، شیرازی، رضا، باباکردی، فاطمه، خاتمی، مهری، سوسرایی، جابر، زنگانه، فاطمه (۱۴۰۰)، تحلیل محتوای توصیفی اهداف کتاب هدیه‌های آسمان پایه دوم ابتدایی بر اساس طبقه‌بندی بلوم، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران)، دوره هفتم، شماره سوم، ۲۵۸ - ۲۵۰.
- برنا، محمد، عبیات، عاطی (۱۴۰۴)، طراحی واحد یادگیری در درس آموزش زبان عربی با تمرکز بر نظریه پیوندگرایی، دوفصلنامه پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، دوره هفتم، شماره دوم، ۱۴۱ - ۱۲۴.
- جابر کاظم، حیدر (۱۴۳۶)، تحلیل أسئلة الأدب العربی لقسم اللغة العربیة فی کلیة التربية الأساسية فی ضوء مستويات المجال المعرفی لتصنيف بلوم، مجلة الكلية الإسلامية الجامعة، العدد ۳۳، ۶۹۰ - ۶۶۷.
- حاتمی، جواد، رضوانی‌فر، شیرین (۱۳۹۴)، بررسی تفاوت نمرات نفرات برتر گروه‌های آزمایشی ریاضی، تجربی و علوم انسانی در کنکور سراسری ۱۳۹۰ بر اساس سطوح شناختی بلوم، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۱۹، ۱۷۲ - ۱۵۹.
- حسین پور، سجاد (۱۴۰۳)، بررسی راهکارهای آموزش در مدارس مبتنی بر صنعت هوش مصنوعی، مجله پژوهش در آموزش زبان عربی، دوره ۶، ش ۲.
- حیدری، فریده، حیدری، سعیدیه، اسدی، مهتاب (۱۴۰۰)، تحلیل محتوای تاریخی کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم بر اساس تکنیک ویلیام رومی و حیطه شناختی بلوم، فصلنامه پژوهش در آموزش، شماره ۵، ۴۲ - ۲۴.
- دلیر، نیره (۱۴۰۳)، تحلیل محتوای پرسش‌های کتاب درسی تاریخ پایه دوازدهم رشته علوم انسانی براساس مولفه‌های حیطه شناختی بلوم، سال پانزدهم، شماره دوم، ۱۷۹ - ۱۵۱.
- رحمانی، عبدالرزاق، محمدی، رؤیا، جلالی‌فرد، سعیده (۱۴۳۸)، تحلیل أسئلة الامتحانات النهائية فی العام الدراسي ۱۳۹۵-۱۳۹۴ لمادة اللغة العربیة للمرحلة الثانوية فی ایران وفق تصنيف بلوم للأهداف المعرفیة، مجلة دراسات فی تعلیم اللغة العربیة وتعلمها، العدد الأول، ۳۰ - ۱۱.
- زارع، ساجد، کارگر، علی اصغر (۱۴۴۰)، تحلیل تمارین کتاب العربیة للصفین العاشر والحادی عشر للمرحلة المتوسطة الثانية بالمدارس الإيرانية فی ضوء تصنيف بلوم للأهداف المعرفیة، مجلة دراسات فی تعلیم اللغة العربیة وتعلمها، العدد الخامس، ۲۶ - ۱۱.
- سبحان، کاوسی، سلیمی نژاد، فهیمه (۱۴۰۲)، چالش‌های درس عربی از منظر معلمان مقطع متوسطه، مطالعه موردی شهرستان سبزوار، دوره ۵، ش ۲.
- سپاسی، حسین (۱۳۸۵)، بررسی و تحلیل سطوح حیطه شناختی و شاخصهای روان سنجی امتحان نهایی دروس عربی، حسابان و زیست‌شناسی دانش‌آموزان دختر پایه سوم متوسطه در سه منطقه متفاوت اقتصادی - اجتماعی استان خوزستان. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳ (۴)، ۵۷-۷۸.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۷)، روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران.
- سیف، علی اکبر (۱۴۰۱)، اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی ویراست هفتم. تهران: نشر دوران.
- فردانش، هاشم (۱۳۹۱)، مبانی نظری تکنولوژی آموزشی (ویراست سوم). تهران: سمت.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ و گال، جویس (۱۳۹۰)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی ج ۱. ترجمه احمد رضا نصر. تهران: انتشارات سمت.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲. تهران: نشر جامعه‌شناسان.

میرآقایی، علی عباس، سپاسی، حسین، مهاجران، بهناز، و قلعه‌ای، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل شاخص‌های روان‌سنجی و سطوح حیطه‌شناختی سؤالات امتحانات نهایی دروس ریاضیات و علوم پایه سوم راهنمایی شهرستان خرم‌آباد. *روانشناسی مدرسه*، ۴(۳)، ۱۱۸-۱۰۲.

وفائی سفتی، زهرا (۱۴۰۳)، تحلیل آزمون‌های نهایی عربی پایه نهم براساس حوزه‌شناختی طبقه‌بندی بلوم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

هوشیار، یاسر، زمانی، مهدیه، مهدی، سید هیمن (۱۴۰۲)، نقد و بررسی میزان تطابق متن‌های درس زبان عربی پایه دهم تا دوازدهم انسانی با قواعد آن، پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، دوره پنجم، شماره دوم، ۱۵۷ - ۱۳۹.